



دی ۱۳۹۲ ... شماره ۲۳

**رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را
باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه برانداخت!**

در این شماره:

کمونیست های واقعی و انقلابی ایران
در مقابل یک آزمون تاریخی دیگر! ... صفحه ۲

انقلاب چیست؟ انقلابی کیست؟ ... صفحه ۳

رشد و موقعیت کردها در غرب کردستان
(کردستان سوریه) ... صفحه ۵

نقش و جایگاه زنان در جنبش
خلق کرد! ... صفحه ۷

ادبیات بالنده ... صفحه ۸

انتقاد و انتقاد از خود به شیوه
کمونیستی (بخش ۱) ... صفحه ۹

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!



کمونیست های واقعی و انقلابی ایران در مقابل یک آزمون تاریخی دیگر !

توده ها باید زمینه های مادی بروز و رشد آنها را از بین برد . برای از میان برداشتن فحشا ، اعتیاد و سایر مفساد اجتماعی باید نظام طبقاتی را که بواسطه آن معدودی سرمایه دار زالو صفت که حاصل کار و تلاش اکثریت افراد جامعه را به تملک خود در میاورند و در مقابل توده های مردم در فقر و مکنت و بی حقوقی غوطه ور میگردند و به تباهی معنوی و انحطاط اخلاقی کشیده میشوند ، از میان برداشت . باید طبقات را محو نمود و به نابرابریهای اجتماعی پایان داد . ریشه کن شدن فساد و تباهی معنوی و اخلاقی زحمتکشان در گرو برانداختن مناسبات سرمایه داری به عنوان ریشه اصلی این نابسامانی هاست . مفساد اجتماعی و تباهی معنوی زمانی از جامعه رخت بر خواهد بست که بیکاری ، فقر و گرسنگی ریشه کن شده باشند . زمانی که هیچ کارگر و زحمتکشی به نان شب محتاج نباشد و هیچ زنی ناگزیر نشود برای گذران زندگی ، خود را بمعرض فروش بگذارد . برای دستیابی به چنین جامعه ای باید بعنوان نخستین گام رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را که عامل گسترش فقر و تباهی است سرنگون ساخت و با برقراری حکومتی که نه مدافع منافع معدودی سرمایه دار بلکه از آن کارگران و زحمتکشان باشد . بی شک تشکل و مبارزه آگاهانه تنها رمز پیروزی کارگران و زحمتکشان در این نبرد است . راه پیروزی و تحقق مطالبات آزادیخواهانه و انسانی اتحاد آگاهانه عموم توده های ستمکش در تشکلهای مستقل در سراسر کشور در زنجیرمان است . در شرایطی که رژیم ترور و اختناق بر کشور ما سایه افکنده ، و همه روزه شاهد اذیت و شکنجه ، زندان و اعدام جوانان آزادی خواه هستیم . در شرایطی که انبوهی از کارگران و زحمتکشان میهنمان در بدترین شرایط مادی به سر میبرند ، در شرایطی که جوانان و روشنفکران جامعه بجرم دفاع از منافع توده های مردم در شرف بازداشت و اعدام قرار دارند و خلاصه در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران عمومی و همه جانبه روبروست و قصد دارد کشور را به طرف جنگی احتمالی و ارتجاعی امپریالیستی سوق دهد و همچون گذشته با سیاست ترور و اختناق ، رعب و وحشت در میان توده ها پدید آورد . در چنین شرایطی وظیفه ای بسیار سترگ و به همان اندازه سرنوشت ساز بردوش نیروهای انقلابی بویژه کمونیستهای ایران قرار گرفته است . شرایط دشوار کنونی از کمونیستهای ایران بزرگترین فداکاریها را که باید در سرشت هر انقلابی قرار داشته باشد می طلبد . انقلابی کسی نیست که تنها در شرایط

بیش از پیش گسترش داده بطوریکه در این دوره چند ماهه، بعد از سرکار آمدن روحانی بیش از 200 مورد اعدام گزارش داده شده است . رژیم که بنا به ماهیت خود قادر به پاسخگویی به نیازهای مادی توده ها نبوده و نیست تنها راه مقابله با رشد نارضایتی و عصیان توده ای را در بر قراری سرکوب و یک دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته یافته است . رژیم با برقراری یک دیکتاتوری تروریستی عریان و عنان گسیخته ، ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی را از توده ها سلب نموده و برای مرعوب کردن مردم سرکوب را پیشه خود ساخته است . رژیم جمهوری اسلامی سلطه پلیسی خود را بر تمامی شئونات زندگی توده های مردم حاکم نموده و هر روز که میگذرد عوامل سرکوبگر رژیم روشهای جدیدی را بمنظور ایجاد رعب و وحشت و سلب ابتدائی ترین حقوق توده های تحت ستم ایران بکار میگیرد . با تصویب قوانین قرون وسطانی جامعه را به تباهی معنوی و انحطاط اخلاقی کشیده است و با این روش سعی دارد که حاکمیت ننگین خود را چند صباحی بیشتر نگاه دارد . در سایه جمهوری اسلامی اعتیاد به مواد مخدر افزایش یافته بطوری که طبق آخرین گزارش منتشر شده ایران در رده ی دومین کشور مصرف کننده در جهان قرار دارد . جوانان معتاد در هر محله ای پرسه می زنند و بنحو رقت انگیزی در کوچه ها و در کنار خیابانها در حال مصرف انواع مواد مخدر شیمیایی و سنتی به واضح دیده میشوند . فحشا در ابعاد بی سابقه ای با اشکال مختلف از جمله تحت پوشش اسلامی و شرعی صیغه گسترش یافته است . درصد مبتلایان به بیماریهای عصبی و روانی روبه افزایش است . اخبار مربوط به خودکشی و خودسوزی و عکس های کودکان خرد سالی که والدینشان از فرط فقر و تنگدستی آنان را در خیابانها رها می کنند و یا به باندهای مافیایی تجارت اعضای بدن انسان میفروشند ، همه و همه زینت بخش صفحات روزنامه ها و سایت های اینترنتی و غیره شده اند . افزایش بی سابقه فساد و اعتیاد و خودکشی علیرغم تلاشی که مرتجعین حاکم برای سرپوش نهادن بر آن بکار میگیرند گسترده و عریان خودنمایی می کند ، شرایط طاقت فرسای زندگی کارگران و زحمتکشان را بازتاب میدهد . رشد نابسامانیهای اجتماعی ، فساد و فحشا ، ریشه در نظام سرمایه داری و حاکمیت جمهوری اسلامی دارد . برای ریشه کن ساختن این معضلات گریبانگیر

رژیم جمهوری اسلامی طی بیش از 35 سال حکومت جابرانه و ستمگرانه خود جامعه را از همه لحاظ بسوی بربریت قرون وسطانی و توده های مردم را به فقر و فلاکت روز افزون و بیحقوقی مداوم سوق داده است . وخامت اوضاع ناشی از بحرانهای فزاینده و رو به گسترش اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و هزاران هزار معضل دیگر شرایط سخت و مشقت باری را به توده های زحمتکش مردم تحمیل کرده است . فقر ، تباهی ، اعتیاد ، تن فروشی ، و فلاکت اقتصادی سراسر جامعه را فرا گرفته است . بحران اقتصادی حاکم بر ایران که با گذشت هر روز عمق و وسعت بیشتری می یابد ، اثرات مخرب و ویرانگر خود را بیش از همه طبقات و اقشار بر شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان بر جای گذاشته است . زحمتکشان و کارگران در معرض ستم و استعمار وحشیانه قرار دارند و در اثر این بحران و نابسامانی اوضاع اقتصادی با فقر مطلق روبرو هستند . میلیونها کارگر بیکار و از تامین حداقل معشیت خود محروم اند . در حالیکه بر خیل عظیم کارگران بیکار مداوما افزوده میشود ، کارگران شاغل نیز تحت شدیدترین فشارها و تصییقات اقتصادی قرار دارند و بر شدت آنان بطور دهشتناکی افزوده میشود . افزایش مداوم قیمت کالاهای مورد نیاز توده ها که گاه در مدت کوتاهی به چند برابر افزایش یافته ، کاهش مداوم دستمزد ها ، سطح زندگی را بنحو غیر قابل تحملی پایین آورده است . این در حالی است که رژیم ارتجاعی حاکم بنا به ماهیتی که دارد ، حتی یک گام ناچیز در جهت کم کردن این فشارها که بر دوش توده های مردم سنگینی می کند بر نداشته ، سعی در کتمان آنها می کنند . تنها در حیطة اقتصادی نیست که کارنامه رژیم سراسر سیاهی و تباهی است . در عرصه های دیگر نیز ارمغانی جز این نداشته است . بدون شک بحران اقتصادی بحران سیاسی را در پی دارد و موجب بحرانهای عمیق در ساختار سیاسی حاکم میشود . بحرانی که تمام ارکان حکومت جمهوری اسلامی را فرا گرفته است ، روز بروز عمیق تر می گردد . ورشکستگی تمام عیار سیاستهای رژیم در کلبه عرصه های مربوط به سیاست داخلی و خارجی بیش از پیش آشکار میشود . هر روز که میگذرد پوسیدگی رژیم بیشتر بر ملا میگردد . به همین دلیل رژیم ارتجاعی حاکم در مقابل اعتراضات طبقه کارگر و توده های مردم سیاست سرکوبگرانه خود را

انقلاب چیست ؟ انقلابی کیست ؟



قیام و شورش اجتماعی که طی آن توده ها ماشین سرکوب دولتی را در هم شکسته و تمامی قوانین و قوای طبقه حاکم را زیر و زبر نموده و بجای آن قوانین و قوانندی جدید و نویی که منافع اکثریت اجتماع را در بر دارد حاکم می گرداند .

سرمایه داری سالهاست که به این نتیجه رسیده است که دیگر به شیوه پیشین توان مقابله با انقلابات را نداشته و به دنبال راهی کم هزینه تر برای مقابله با انقلاب بوده است . رابرت کندی سناتور امریکائی پس از اتمام یک سفر تحقیقاتی به کشورهای امریکای لاتین در کنگره حاضر و طی سخنرانی نتیجه بدست آمده از تحقیقات خود را چنین می گوید . دیر یا زود در هر نقطه از این جهان پهناور ما مواجه با انقلابات رهایی بخش خواهیم بود . خانم ها و آقایان سیل بنیان کن این انقلابات تمامی کشورهای پیرامونی بخصوص در کشورهای تحت سلطه و جهان سومی به حرکت در خواهد آمد . متوجه باشید که هرگونه مقابله با این سیل منافع ما را بخطر خواهد انداخت . تنها و تنها برای ما یک راه باقی است آنهم همراهی با این انقلابات است که بتوان آن را مهار و از درون تهی ساخت و بدین شکل جلوی ضربه به منافع خود را سد نمائیم . پس از این بود که نتیجه این تحقیقات توسط سازمانهای زیر بط پخته تر شده و به کار بسته شد . بار اول در اوایل دهه چهل توسط شاه و به دستور امپریالیسم امریکا تحت عنوان انقلاب سفید این تحلیل به تجربه گذاشته شد . بعد از کودتای بیست و هشتم مرداد ماه بود جو جامعه علیه سیستم فئودالی حاکم روبه رشد بود احتمال اعتراضات بود جامعه به این سمت می رفت امریکاییها این تحلیل را داشتند به همین دلیل به شاه توصیه نمودند که ایران نیازمند تغییراتی است که اگر این تغییرات رخ ندهد بدون شک با اعتراضات توده ها مواجه خواهد شد و اوضاع از دست رژیم خارج خواهد شد . پس شاه بدستور امریکاییها اقدام به رفرمهایی نمود بخشی از خواست توده ها در این رفرمها که تحت عنوان انقلاب سفید شاه و مردم به اجرا در آمد زنان صاحب رای شدند بخشی از زمینهای فئودالها بین کشاورزها تقسیم شد و طی طرحی دیگر تحت عنوان سپاه دانش قدم هایی در جهت مبارزه با بی سوادی برداشته شد . این رفرم ها خواسته ها و محرک هایی که توده ها را به میدان می آورد را در بر می گرفت و هر چند بصورت نیم بند اجرا می شد و در اجرای آن بصورت انقلابی برای ریشه کن کردن این معضلات اقدام نشد اما توانست

سهل و امکان فعالیت قانونی بمیدان مبارزه سیاسی روی آورد . انقلابی کسی است که در دشوار ترین شرایط هنگامیکه هر لحظه خطر زندان ، شکنجه و اعدام او را تهدید میکند ، استوار تر از همیشه وظایف انقلابی خود را انجام دهد . تاریخ مکرر نشان داده است که در برابر اراده پولادین و عزم استوار نیروهای انقلابی هیچ مانعی را کارساز نیست . انقلابیون در تحت هر شرایطی قادرند مبارزه خود را از پیش برند . شناخت استراتژی همانقدر حائز اهمیت است که تعیین تاکتیکها برای رسیدن به استراتژی مهم میباشد . بایستی ریسک نمود و برای رسیدن به اهداف انقلابی تن به مخاطره داد . کمونیستهای ایران بار دیگر در برابر یک آزمون تاریخی قرار گرفته اند ، آزمونی که نشاندهنده میزان ایمان و عشق خلل ناپذیر به توده های مردم و طبقه کارگر است . امروز هر تلاش شبانه روزی ، هر استقامت و پایداری قدمی ست که بسادگی فضای رعب و وحشت را در هم می شکند ، زیرا این فضای رعب و وحشتی که رژیم پدید آورده است کاملا پوشالی و از فرط یاس و نومیدی است . این شرایط نمیتواند مدتی مدید پایدار باشد . رژیم در چنگال یک بحران اقتصادی و سیاسی گرفتار است . بحرانی که نه تنها با گذشت زمان مدام ابعاد تازه ای بخود گرفته است بلکه در همان حال ناتوانی رژیم را در مهار کردن آن باثبات رسانده است و چندان نخواهد پائید که نتایج اجتناب ناپذیر خود را در حرکت توده های مردم و سقوط رژیم نشان دهد . اما تنها نباید به این پسند کنیم که فشارهای اقتصادی و سیاسی موجود سرانجام خشم انقلابی توده ها را برخواهد انگیخت ، بلکه باید منتهای تلاش و کوشش خود را بکار گرفت و این انفجار را تسریع کرد . باید بکوشیم تا جویبارهای پراکنده خشم و نارضایتی توده های مردم را که هیچ نیروئی یارای مقاومت در برابر آن نیست به یک سیلاب عظیم علیه رژیم تبدیل کنیم . بکوشیم و تلاش خود را بیشتر کنیم و با تمام انرژی و ابتکار خود مبارزات و اعتراضات توده ها را سازماندهی کنیم و آنها را بمقابله ، مقاومت و ایستادگی در برابر ارتجاع حاکم و سرنگونی آن فرا خوانیم .

توده ها را متوهم و تا یک دهه انقلاب را به عقب بندازد . مرتبه دوم که این روش در ایران به کار گرفته شد در سال 57 بود درست یک سال قبل از شروع اعتراضات توده ای توسط سفارت امریکا توصیه هایی به شاه شد که خود امریکای ها در این باره اینگونه نوشته اند . آقای سولیون سفیر وقت امریکا در ایران در این باره می گوید به دستور واشنگتن با شاه دیدار نموده و به عرض رساندم که شرایط در ایران در حال تغییر است و دیر یا زود با اعتراضات توده ها مواجه خواهیم شد برای اینکه از این مسئله جلوگیری نمایم هنوز دیر نیست و باید دست به ایجاد تغییراتی زد شاه باید مقداری فضا را باز کند و ... اما شاه قبول نکرد در دومین دفعه که با شاه دیدار کردم و باز به وی توصیه ها را تکرار نمودم وی گفت شما امریکایی ها اشتباه میکنید و تحلیل شما از اوضاع غلط است همین چهارم آبان ندیدید که در همه کشور چه جشنی بر قرار نموده بودند .

منظور شاه از جشنی بود که همه ساله در این روز به مناسبت روز تولد شاه برگزار می شد بهر شکل شاه زیر بار نرفت و سلیوان به واشنگتن گزارش داد . واشنگتن ترتیب برگزاری یک نشست را در منطقه گوادالوپ داد که در این جلسه نماینده امریکا آقای برژینسکی شرکت نمود از فرانسه و انگلیس هم نماینده هایی و از ایران هم نمایندگان سلطنت طلبها آقایان اعلم و آموزگار (فریدون آموزگار سفیر ایران در انگلیس) و از لیبرالها آقای یزدی و قطب زاده و ... حضور داشتند در این جلسه امریکاییها اعلام نمودند که شاه رفتنی است و باید تا دیر نشده الیترناتیوی برای جانشینی رژیم شاه مشخص نمود و به نظر ما تنها نیرویی که بعد از شاه می تواند هم منافع ما و هم منافع کشور را حفظ نماید و از اینکه حرکات پیش رو رادیکالیزه شود جلوگیری نماید روحانیت است و در بین روحانیون خمینی است که می تواند رهبری را بعهده بگیرد به همین منظور از همان سال 56 قبل از اخراج خمینی از عراق برای او در نوفل لوشاتو خانه ای در نظر گرفته شد و امنیت این منزل هم از همان سال تامین شد به بی بی سی دستور داده شد که اعلامیه و بیانیه و دستورات خمینی از این رسانه پخش و برای وی تبلیغ شود تا بالاخره توانستند وی را به عنوان رهبر به مردم حقه نمایند . در واقع جمهوری اسلامی حاصل سازش طبقاتی بین امپریالیستها و سلطنت طلبها و لیبرالها و روحانیت بود . از همان موقع و علی رغم اینکه خود امپریالیستها و خود سلطنت طلبها و لیبرالها و ... می دانند که حکومت ایران حاصل

سازش خود آنها و در واقع برای ضدیت با انقلاب به عرصه آمده تا از عمیق شدن و رادیکال شدن جنبش توده ها جلوگیری نماید سعی نموده و تمام توان خود را به کار میگیرند تا این رژیم ضد انقلابی را به عنوان حاصل انقلاب توده ها معرفی نمایند تا توده ها را از انقلاب و نتیجه آن ترسانده و دیگر هیچ وقت به فکر انقلاب نیفتند .

با توجه به توضیحاتی که در مورد انقلاب داده شد پس واضح است که افراد جمهوری اسلامی بخصوص رهبران آن نمی توانند انقلابی باشند و در صف ضد انقلاب بوده و بدون شک آنان پاسدارن سرمایه هستند و ضد انقلابند . پس وقتی خامنه ای در سخنرانی خود را انقلابی نامید همه می دانند که نامبرده بعنوان رهبر جمهوری اسلامی در صف ضد انقلاب قرار دارد و در سرکوب انقلاب 57 نیز نقش خود را ایفا نموده و همچنان مشغول سرکوب انقلابیون است ولی اینکه خود را این گونه معرفی می کند علاوه بر پر روشنفکری در تداوم همان سیاست که می خواهند توده ها را از انقلاب و انقلابی زده نمایند می باشد و به همین دلیل است که رسانه های امپریالیستی نیز با این انگیزه این سخن او را بیش از پیش اگر اندیسمان مینمایند و تلاش میکنند که تمام اعمال سرکوبگرانه و خشونت آمیز او را به حساب انقلابیون و اریز نمایند .

اما برآستی انقلابی کیست چگونه می اندیشد چگونه با مسائل پیرامون خود می نگرد چه چیزی برای او در اولویت قرار دارد؟؟ انقلابی مرد یا زنی است فناپذیر تمامی علایق خود منافع و شغل و احساسات و همه چیز را در وجود خود با انقلاب و عشق به رهایی توده ها خلاصه نموده و با این عشق محک میزند .

2. انقلابی نه تنها در کلام بلکه در تمامی اعمال خود منافع جمعی را در منظور داشته و هر مسئله را با تراز و معیار همسو بودن یا مغایر بودن با منافع جمع و انقلاب می سنجد و کلیه رفتار و اعمال او با نظام اجتماعی و کلیه قوانین و شرف و سنت و با تمام سنن پذیرفته شده از طرف عموم گسسته و فقط با معیار باور های انقلابی خود آنها را مس سنجد و اگر در زندگی خود همزیستی با این قوانین و سنن و آداب را ادامه می دهد بدین منظور است که راه سریعتر افشا و نابود کردن آن را یافته و به اجر بگذارد .

3. انقلابی انسانی متعهد و پایدار نسبت به منافع اکثریت و نسبت به اشخاص صمیم و مهربان اما نسبت به سرمایه داری و دولت حامی منافع آن بی رحم و بین او و آنان همواره جنگی است که پنهان و اعلام شده و تا سر حد مرگ سخت و آشتی ناپذیر در

جریان و تا رسیدن به پیروزی این جنگ به اشکال مختلف ادامه دارد .

4. انقلابی هیچگاه از انگیزه های شخصی پیروی نمی کند و تنها و تنها از انگیزه هایی که در خدمت انقلاب اسن برخوردار میکند .

5. انقلابی همانگونه که در قبل نیز قید شد کرد یا زنی است فناپذیر پس انقلابی به دودلیل همواره در پی آن است که ایجاد تشکل نماید زیرا اولاً بدون تشکل هیچ کاری را نمی توان پیش برد دوماً بدلیل فناپذیری و اینکه انقلابی می داند هر لحظه ممکن است ضربه بخورد همواره در فکر چگونگی تداوم و ماندگار بودن راه انقلاب است .

6. بنا به دلایل ذکر شده در بند 5 انقلابی وظیفه اصلی خود را همواره تبلیغ ، ترویج و سازماندهی قرار داده و می داند که بصورت انفرادی هیچ کار را پیش نخواهد برد .

7. انقلابی همواره انتقاد از خود و انتقاد از رفقا و یاران خود را سرلوحه کار خویش قرار داده و هیچگاه به منظور تخریب به انتقاد نمی پردازد بلکه همواره در صدد است که انتقاد ابزاری در دستان او و رفقایاش باشد برای سازندگی و پیش رفت .

8. انقلابی باور دارد که هیچ علمی و هیچ سخن و ... بودن مدافعه از منافع طبقه ای خاص وجود نداشته و ندارد پس همواره می کوشد تا در عمل و سخن و نوشته های خود مدافع منافع تنها طبقه تا به آخر انقلابی باشد .

9. انقلابی همواره در پی ایجاد ظرفی برای مبارزه با طبقه حاکم می باشد . اگر چنانچه چنین ظرفی موجود نباشد تمامی همت خود را به کار خواهد گرفت تا چنین ظرفی را ایجاد نموده و دیگر انقلابیون را تشویق به پیوستن به آن کرده و چنانچه ظرف مورد نظر وجود داشته باشد بی درنگ به آن پیوسته و تمامی انرژی و نیروی خود را به خدمت آن می گیرد و هرگز تبلیغ به مبارزه انفرادی نمی نماید .

10. انقلابی هر عمل خود را در جهت انقلاب و همسوی با آن ارزیابی می نماید و هیچگاه عملی را که به انقلاب ضربه وارد نماید را انجام نمی دهد .

11. انقلابی چنانچه ظرف مورد نظر خود را برای مبارزه یافت و یا ایجاد نمود می کوشد که دچار لیبرالیسم تشکیلاتی نشده و همواره در قبل این تفکر تشکل براندز نیز موضع گرفته و به مبارزه با آن تمامی نیرو و همت خود را بکار می گیرد .

12. هرگاه انقلابی ظرف مورد نظر را یافت و یا ایجاد نمود همواره در صدد است دیسیپلین موجود در جمع را رعایت و همیشه منافع شخص خود را فدای منافع جمع نموده و انضباط و قوانین تشکیلاتی را

محترم شمرده و لازم الاجرا بداند و هرگاه نظرش با موردی اختلاف داشت آن را نوشته و کتبا در اختیار رفقای خود قرار داده و تا حصول نتیجه از نظر خود دفاع نماید اما این به منزله آن نیست که کار مورد درخواست از رفیق به بهانه اختلاف نظر به تعویق افتد بلکه برحسب اصل سانترا لیزم دموکراتیک حاکم بر تشکیلات انجام امر محوله ضروریست .

اما این حق بر رفیق محفوظ است که می توانند و باید در رابطه با مسئله مورد اختلاف نظر خود را نوشته در درون تشکیلات به یک مبارزه ایدئولوژیک دامن بزنند .

13. انقلابی از هرگونه حرکت محفلی در درون تشکیلات خودداری نموده و اساساً هر حرکتی که سبب ضربه به تشکیلات شود و اب به اسباب دشمن بریزد خودداری می نماید .

14. انقلابی هر شکل تشکل از بالا به پایین را رد کرده و همواره سانترا لیزم دموکراتیک را مد نظر قرار داده و فعالانه در امور مختلف شرکت نموده و نظرات خود را کتبا در اختیار عموم تشکیلات قرار داده و در هر فرصت به مبارزه ایدئولوژیک دامن می زند .

رابطه انقلابی با یاران درون تشکل خود : این ضرورتی ندارد که در رابطه با وفاداری یاران نسبت به یکدیگر قلم فرسایی نماییم تمامی نیروی انقلاب متکی بر یاران بخصوص آنها که دستی بر قلم دارند ، یارانی که با شور و شعور انقلابی خود تمامی لحظه های مبارزه را می سازند تا آنجا که ممکن است باید درباره مسائل بخصوص مسائل مهم گروهی فکر نمود و به نتیجه رسید تا وقتی نتیجه حاصل شود .

انقلابی باید حاصل مبارزه ایدئولوژیک که بدست آمده را بکار بندد و هرگز نباید برای توصیه نمودن وقفه ای ایجاد نماید جز در مواردی که برای پیشبرد انقلاب ضروری است که آنها باید طی یک مبارزه درونی و در بین اعضا (مبارزه ایدئولوژیک درون گروه) بوده و پس از بررسی و تایید تمامی رفقا و یا اکثریت رفقا به کار بسته شود .

انقلابی همواره نسبت به توان خود برای انجام امور دواطلب بوده و تمامی توان خود را در خدمت انقلاب بکار میگیرد و از اعمالی که ناشی از خصلت های ریشه ای همواره پرهیز نموده و تمامی تلاش خود را برای زدودن این خصلت ها چه در اعمال خود و چه در اعمال رفقای خود بکار میگیرد .

برگرفته از جزوات درون تشکیلاتی کمیته البرز سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر شده در نشریه راه سرخ

رشد و موقعیت کردها در غرب کردستان (کردستان سوریه)

مشخصات جغرافیایی :

کردستان غربی یا کردستان سوریه منطقه شمال شرقی سوریه را شامل میشود که بخشهایی از استانهای حسکه ، رقه و حلب را در برمیگیرد . 18% از جمعیت کل سوریه را کردها تشکیل میدهند . در سوریه کردها بزرگترین اقلیت نژادی میباشند . مناطق کردنشین سوریه با کردستان شمالی (کردستان ترکیه) و کردستان جنوبی (کردستان عراق) هم مرز است که به سه بخش مجزا از هم قرار گرفته که در بین آنها اعراب اسکان یافته اند (در نتیجه سیاست تعریب یا عربی کردن منطقه توسط حزب بعث سوریه) . کردستان سوریه با وسعتی بیش از 24000 کیلومتر مربع یا بعبارتی معادل وسعت کشور لبنان ، از دیرک تا عفرین را شامل میگردد . سه بخش کردنشین کردستان غربی غربی (کردستان سوریه) مناطق جزیره ، کوبانی و عفرین را شامل گیردیده . منطقه جزیره از مهمترین مناطق کردستان سوریه و حتی کشور سوریه محسوب گردیده چرا که کل محصولات کشاورزی سوریه در این منطقه تولید میگردد . بعلاوه اینکه در رمیلان که ناحیه ای از منطقه جزیره میباشد منابع نفتی برابر با منابع نفتی کرکوک عراق وجود دارد . سه منطقه جزیره ، کوبانی و عفرین از لحاظ جغرافیایی جدا از یکدیگرند اما این جدایی جغرافیایی مانعی در برابر تعلق و پیوستگی ارگانیک نهادهای سیاسی موجود ایجاد نکرده است .

وضعیت اقتصادی :

منطقه کردستان سوریه سرشار از ثروتهای طبیعی است منابع نفتی ناحیه رمیلان توانایی تولید و استخراج روزانه 250 هزار بشکه را دارا هستند علاوه بر اینکه از ذخایر گاز طبیعی نیز بی بهره نمیباشند . میزان تولید نفت این منطقه به تنهایی از نصف کل تولید نفت سوریه بیشتر بوده است . از لحاظ کشاورزی نیز سطح زیر کشت منطقه کردستان مجموعاً 18 هزار کیلو متر مربع است یعنی مساحتی برابر با 90% کل مساحت منطقه کردنشین سوریه . میزان تولید گندم این منطقه 37% کل تولید گندم سوریه و یا بعبارتی 4/1 میلیون تن است . تولید پنبه میزانی معادل سالانه 273 هزار تن یا 39% تولید کل کشور سوریه است . بعلاوه اینکه وجود 15 میلیون اصله درخت زیتون 23% کل درختان زیتون کشور سوریه را شامل میگردد . منطقه کردستان سوریه در کل و به تنهایی 45% کل تولیدات کشاورزی کشور سوریه را به عهده دارد . منطقه کردنشین سوریه از منابع

بزرگ آبهای تحت الارضی و سطح الارضی برخوردار بوده . وجود 10 سد بزرگ با مجموع ظرفیت آبی 30 میلیون مترمکعب و هشت رودخانه که مهمترین آنها فرات است گواهی بر اهمیت موضوع میباشد . مجموع درآمد سالانه منطقه کردنشین سوریه بالغ بر 8/10 میلیارد دلار است که برابر با نصف کل بودجه کشور سوریه در سال 2013 میباشد .

وضعیت سیاسی و اجتماعی کردستان سوریه :

با قدرت گیری حزب بعث سوریه و اشاعه تفکرات شونیستی ، کردهای سوریه از حقوق اجتماعی محروم گردیده و حتی زحمتکشان کرد منطقه از زمینهای کشاورزی خویش نیز محروم گردیدند . و به آنان تابعیت کشور سوریه داده نشد . نگرش شونیستی حزب بعث کردها را از ابتدایی ترین حقوق اجتماعی خویش محروم ساخت و در بینش حزب بعث ، کشور سوریه محل اسکان تنها یک ملیت و آنهم ملیت عرب بود و کردها مهاجرینی بودند که از دیگر مناطق به آنجا کوچ کرده بودند و ارزش آنرا نداشتند که به آنها تابعیت داده شود . در سال 2010 کردهای سوریه از حقوق شهروندی برخوردار شدند . در سال 1928 کردهای سوریه بمنظور کسب حقوق ملی خویش با تسلیم کردن مطالبات خویش به پارلمان سوریه که شامل به رسمیت شناختن زبان کردی و تدریس آن در مدارس و اداره امور خویش بود ، جنبش ملی خویش را براه انداختند . هر چند این مطالبات در آنزمان با مخالفت فرانسویان مواجه گردید و بدنبال کودتاهای پی در پی و قدرت گیری حزب بعث بدنبال سالهای 1958 تا 1961 فشار بر کردها افزایش یافت و وجود منابع و ثروت عظیم نفتی در منطقه کردنشین باعث گردید تا اعراب افراطی وجود کردها را مزاحم تلقی کرده و خواهان بیرون راندن آنان از کشور سوریه گردند .

با نگاهی گذرا به تاریخ معاصر کردستان خواهیم دید که عامل مهم بازدارنده در راه تحقق خواسته های ملت کرد نفت و وجود منابع مهم نفتی در مناطقی بوده که کردها در آن اسکان داشته اند . مناقشات بر سر شهرهای خانقین و کرکوک در کردستان عراق و در سوریه جایی که منابع نفتی با صادرات بیش از 200 هزار بشکه در روز در آن قرار دارد و در کردستان سوریه واقع گردیده مهر تاییدی بر این موضوع میباشد . خطر قدرت گیری کردها در پناه چاههای نفتی و زمینهای حاصلخیز کشاورزی در کردستان سوریه همواره کابوسی برای نه

تنها حاکمان شونیست در سوریه بلکه برای شونیستهای ترک در کشور شمالی یعنی ترکیه بوده و خواهد بود .

در سال 1963 و با استخراج رسمی نفت از مناطق کردنشین سوریه که با پیشنهاد افسر شونیست حزب بعث بنام محمد طلب هلال ، دولت سوریه طرح سلب حقوق از کردهای سوریه و عربی کردن مرحله به مرحله منطقه کردستان سوریه را به اجرا درآورد . در همان سال بود که دولت سوریه در یک ضرب العجل تنها یک روزه از کردهای سوریه خواست تا تابعیت سوری خویش را به اثبات رسانده و در غیره اینصورت از آنها سلب تابعیت و حقوق شود . چنین بود که طبق توطئه ای از پیش طرحی شده از تمامی کردهای سوریه بنام اتباع بیگانه یاد شد . در این میان کردهای بیگانه نامیده شده از ابتدایی ترین حقوق خویش محروم گردیدند . آنها نه میتوانند صاحب زمین شوند و نه استخدام شوند و نه حتی برای مداوای خویش از مزایای درمان رایگان استفاده نمایند . آنها همواره تحت نظر مراکز امنیتی بوده و حق تغییر آدرس محل زندگی خویش را نداشتند . این نکته حائز اهمیت بود که زمینهای صادره شده توسط دولت از زحمتکشان کرد بعدها به اعرابی تحویل داده شد که از دیگر نقاط سوریه به کردستان آورده شده بودند . بعلاوه اینکه بمنظور تکمیل فشار بر کردها طرح کمربند عربی یا سبز توسط دولت به اجرا در آمد . در سال 1964 قانون شماره 136 بمنظور تسهیل در مصادره املاک و اراضی زحمتکشان کرد به تصویب دولت کودتای سوریه رسید . در کنگره سوم حزب بعث سوریه به سال 1966 بخشنامه ای به تصویب رسید که مطابق با آن منطقه ای به طول 350 کیلو متر و به عرض 15 تا 20 کیلو متر در مرز استان حسکه از زحمتکشان کرد مصادره و به دولت واگذار گردید . با کودتای دوم در سال 1971 و به رهبری حافظ اسد و پس از پایان جنگ اسرائیل و سوریه دولت شونیستی حافظ اسد سیاست عربی کردن کردستان سوریه را بشدت و به طور رسمی دنبال کرد . طبق قانون شماره 521 که در سال 1974 به تصویب دولت کودتا رسید قریب به چهار هزار خانوار عرب از دیگر جاهای سوریه به کردستان سوریه آورده و بر روی زمین کردها در استان حسکه اسکان داده شدند . زمینهایی به وسعت 175 هزار هکتار که پیشتر املاک کردها به حساب می آمد بخشا به اعراب مهاجر و بقیه به وزارت دفاع سوریه واگذار گردید . واژه مکتوم در سوریه یادآور پایمال کردن رسمی و آشکار حقوق انسانی کردها در سوریه تحت

تدوین قوانین انتخابات محلی و فراهم سازی مقدمات برای برگزاری انتخابات سراسری و تدوین قانون اساسی اقدام خواهد نمود . علاوه بر اینکه اداره مسائل سیاسی ، نظامی ، امنیتی و اقتصادی کردستان نیز از دیگر وظایف دولت انتقالی میباشد .

مدل ارائه شده خود مدیریتی شورایی در کردستان سوریه مدلی متمایز از دیگر مدل‌های تاکنونی ایجاد شده در منطقه است که بنا به ویژگی‌های دمکراتیک خویش با مخالفت دولتهای امپریالیستی و در صدر آنها امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه و احزاب متحد و همپیمان با امپریالیسم و ارتجاع مواجه گردیده است . ساختار دمکراتیک تشکیلات سیاسی حاکم در کردستان ترکیه به همان اندازه که ضدیت و دشمنی امپریالیسم و ارتجاع منطقه را موجب گردیده به همان اندازه وظیفه و رسالت جریانات چپ و کمونیست سراسر جهان و بخصوص ایران را در حمایت از چنین مدل دمکراتیکی صد چندان میسازد . حمایت و تقویت حاکمیت دمکراتیک در کردستان سوریه ضامن پیشبرد و ارتقا مبارزات و مطالبات دمکراتیک کردها در دیگر بخشهای کردستان در مقطع کنونی در مقابله با امپریالیسم و ارتجاع میباشد . طرد و نادیده گرفتن حمایت از چنین مدل دمکراتیکی از جانب جریاناتی که خود را چپ و کمونیست مینامند به معنای انفعال و بی موضعی در برابر حرکات دمکراتیک ضد امپریالیستی در منطقه است . در گیر شدن در چنین تجربه ای میتواند جنبشهای ملی را سمت و سوی ضد امپریالیستی داده و از آنها بسود تقویت مبارزه طبقاتی توده های تحت ستم و رادیکالیزه کردن جنبشهای منطقه ای استفاده نماید . جنبشهایی که در اثر ضعف و یا عدم موضع گیری جنبش چپ جهانی بخصوص پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به بیراهه رفته و از جانب قدرتهای امپریالیستی و جریانات ارتجاعی مورد سو استفاده قرار گرفته اند . سیامک رضایی - منتشر شده در نشریه کار کمونیستی شماره 128

منظور آنها مداخله و اعمال نفوذ حزب کارگران کردستان بود . حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه که بسیاری آنرا شاخه ای از حزب کارگران کردستان میدانند بعنوان قویترین و پر نفوذ ترین جریان کردی در کردستان سوریه رهبری حرکات آزادیخواهانه و آزادیبخش کردها در سوریه را بهعهده دارد . مطالبات و شعارهای حزب دمکراتیک کردستان سوریه رادیکال بوده و خواهان ترک صفوف ارتش سرکوبگر سوریه توسط سربازان و پرسنل کرد میشوند و همزمان خواهان سونگونی رژیم حاکم هستند در حالیکه شورای ملی کردها که از جانب احزاب کردستان عراق و بخصوص حزب دمکرات کردستان عراق حمایت میگردد خواهان چنین شعارها و مطالباتی نبوده و نیست .

مخالفت جریانات کردی و ارتجاع منطقه با حزب دمکراتیک کردستان سوریه و دولت موقت آن زمانی به اوج خود رسید که این جریان با ورود نیروهای ارتش باصطلاح آزاد سوریه به مناطق کردنشین مخالفت ورزید و در مقابل آن مسلحانه ایستاد . با آغاز قیام در اواسط سال 2012 بر علیه ستم نظام حکم و خروج نیروهای سوری از کردستان سوریه حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه و بازوی نظامی آن یعنی YPG (نیروهای مدافع خلق) کنترل مناطق کردنشین سوریه را در دست گرفتند از آن زمان تا کنون نیروهای ارتجاعی اپوزسیون سوریه اعم از ارتش باصطلاح آزاد سوریه و نیروهای مافوق ارتجاعی سلفی متشکل در 47 دسته و گروه با تهاجمات گسترده بر علیه آزادیخواهان کرد سعی در نابودی دست آوردهای خلق کرد در کردستان سوریه دارند . گروههای ارتجاعی تحت حمایت امپریالیسم و ارتجاع منطقه با حمایتهای گسترده نظامی در غارت و کشتار کردها هیچ حد و مرزی را شناخته و به کثیفترین اعمال روی آورده اند از کشتار مردم بی دفاع تا ربودن و تجاوز به زنان و دختران کرد تحت نام جهاد جنسی همگی از جمله اعمالی بوده که همواره از حمایت امپریالیسم و ارتجاع برخوردار بوده است . در ماه نوامبر 2012 در قامیشلو کردستان سوریه طرح دولت انتقالی که از سوی حزب دمکراتیک ارائه شده بود مورد بررسی قرار گرفت و پس از گذشت 4 ماه دولت غیر نظامی انتقالی از جانب کردهای سوریه اعلام شد . بر طبق تصمیم دولت انتقالی ، کردستان سوریه به سه منطقه یا کانتون یا کنفدره تقسیم شده که هر یک از مناطق دارای یک شورای محلی ویژه میباشد که نمایندگان این شوراها در شورای کل کردستان حضور دارند . دولت انتقالی به

حاکمیت شونیستهای عرب است مکتوم به انسانهایی گفته میشود که حتی از بیگانگان کرد نیز از کمترین حقوق اجتماعی برخوردارند . مکتوم کسی است که یکی از والدین او سوری باشد و دیگری بیگانه باشد . تنها در سطح استان حسکه قریب به نیم میلیون مکتوم وجود دارد که نمیتوانند از حقوق اجتماعی نظیر استفاده از درمان رایگان بهره‌مند شوند . فرزندان آنان نمیتوانند وارد دانشگاه شوند . علاوه بر این فعالیت‌های روشنفکران و فعالین سیاسی کرد در سوریه بشدت از جانب حزب بعث شونیست سرکوب شده و با همکاری دولت ترکیه به تعقیب و دستگیری و ترور فعالین کرد اقدام میشد . ارتش ترکیه هزار چند گاهی و با موافقت دولت سوریه وارد مناطق کردستان سوریه شده و به عملیات تعقیب و دستگیری مبارزین کرد دست میزد . بدنبال کودتای 1980 در ترکیه و سرکوب نیروهای چپ و دمکرات ترکیه ، حزب کارگران کردستان بخشی از نیروهای خویش را به مناطق کردستان سوریه و لبنان روانه کرد . حزب کارگران کردستان برخلاف دیگر احزاب مخالف بخشهای دیگر کردستان که در دمشق دفتر نمایندگی داشتند تنها در مناطق کردنشین استقرار یافت و هیچگاه تسلیم دولت دمشق نگردید . این در زمانی بود که احزاب کردستان عراق که هم اکنون در کردستان عراق حاکمند همواره و در پیروی از سیاستهای دولت دمشق در برابر کردهای سوریه و تشکل یابی آنها ایستاده و مانع از سازماندهی و قدرت یابی جنبش آنها شده اند . بالعکس حزب کارگران کردستان همزمان با استقرار در کردستان سوریه دهها کادر ورزیده اش در زندانهای سوریه در حبس بسر میبردند . حزب کارگران کردستان در مدت زمان کوتاهی یعنی دوسال توانست بزرگترین تشکیلات را در میان کردهای سوریه سازماندهی نماید . کاری که هیچ گاه هیچ یک دیگر از احزاب کردی قادر به اجرای آن نبوده و یا بنا به مصلحت نخواستند انجام دهند . قیام دوازدهم مارس سال 2005 نقطه عطف مهمی در مبارزات کردهای سوریه محسوب میشود . این قیام توده ای نتیجه بیش از نیم سده ستم و اجحاف حکومت مرکزی شونیست بر علیه کردهای سوریه بود . قیامی خود جوش که بدون دخالت احزاب کرد سوری در عرض یک هفته سراسر کردستان سوریه را بر گرفته و در این رابطه احزاب کردی بجز حزب کارگران کردستان در دیگر بخشهای کردستان و حتی در داخل خاک کردستان سوریه علیه آن موضوع گرفته و آنرا دسیسه خارجی میدانستند و واضح بود که

آخرین انتشارات سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را از سیات های زیر دریافت کنید .

www.kare-online.com
www.fedayi.org

کار کمونیستی شماره ۱۲۸ منتشر شد



نقش و جایگاه زنان در جنبش خلق کرد!



تاریخ جوامع طبقاتی نشاندهنده ننگ ابدی کوچک شمردن و اهانت به زنان از جانب طبقات حاکم بوده و هست. در تمامی این جوامع زنان در زمینه جایگاه اجتماعی همواره در درجه دوم قرار داده شده اند و همانند موجودی بی اختیار و ضعیف که تنها وظیفه آن نگهداری فرزندان است به آن نگریسته شده است. تاریخ جوامع طبقاتی به همان شیوه که نشاندهنده تغییر شیوه های استثمار انسانهاست به همان شیوه نشاندهنده تغییرات در کوچک شمردن و اهانت و کهنه پرستی است. در مورد زنان اگر در جوامع فئودالی زن به عنوان برده همیشگی مرد بشمار میرفت، در جوامع سرمایه داری غیر از پرورش نیروی کار ارزن برای بازار کار سرمایه، خود نیز بعنوان نیروی کار ذخیره به حساب می آید. اگر ویژگیهای زنان در جوامع قبل از سرمایه داری، اسیر بودن زنان تنها در چهارچوب کار منزل و قبول مسئولیت تولید نسل بشر بود، با رشد تکنیک و رشد تکامل روابط و مناسبات تولیدی در جوامع بورژوازی زنان غیر از بردگی کمی بیش در همان چهارچوب قبلی در زمینه هایی دیگر کوچک شمرده شده و مورد اهانت گرفته اند. کار در بدترین و نامساعدترین شرایط و با حداقل دستمزد در کارگاه و کارخانجات تنها سهم زنان از رشد و تکامل روابط و مناسبات اجتماعی و پیشرفتهای جامعه بورژوازیست. در دوران حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، امروزه نه تنها از آزادی شکل و اجتماعات و کار و غیره صحبتی به میان نمی آید و هرگونه امکان سازماندهی علنی و آزاد از زنان بلکه حتی ابتدائی ترین حقوق زنان همچون انتخاب آزادانه همسر، آزادی در حق طلاق و جدایی و غیره نیز به آنان بطور کلی سلب گردیده است. پایمال کردن علنی و آشکار حقوق زنان خود را در طرح قوانین ارتجاعی همچون حجاب اجباری، سنگسار زنان، صیغه که چیزی جز تن فروشی قانونی و شرعی نیست نمایان می سازد که در حکومت اسلامی تنها ابزار تولید مثل و ارضا امیال جنسی محسوب میگردد نه اینکه انسانی که میتواند و باید دوشا دوش مردان در تولید اجتماعی مشارکت نماید و از حقوق و جایگاه اجتماعی برابر با آنان برخوردار گردد. در ایران امروز ضبط حقوق دمکراتیک از تمامی جامعه و در صدر آن زنان، اهانت و کوچک شمردن آنان محروم کردن آنها از ابتدائی ترین حقوق خویش است و این مسئله در میان

ملیتهای تحت ستم با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی - اقتصادی حاکم بر این مناطق بیشتر دیده می شود. بی حقوقی زنان در میان ملیتهای تحت ستم با توجه به سطح پائین رشد و تکامل اجتماعی و اقتصادی و وجود بقایای روابط و مناسبات جان سخت نظامهای کهن و پوسیده زیادتتر است. در کردستان نیز زنان زحمتکش خلق کرد علیرغم تحمل ستم ملی و کار طاقت فرسای روزانه همواره از جانب آداب و رسوم ارتجاعی مردسالارانه تحت فشار و آزار قرار می گیرند. زندگی زنان زحمتکش کردستان انعکاس کینه و نفرت عمیق سالها درد و رنج و محرومیتی است که در کوران مبارزه انقلابی خلق کرد مسیر درست خویش را باز خواهد یافت و در آن مسیر به پیش خواهد رفت. فقر دلخراش و محرومیت از هر گونه حقوق اجتماعی زندگی سخت و دشوار زنان زحمتکش کردستان را با مبارزه علیه ستم وحشیانه ای که بر آنان روا داشته می شود ادغام نموده است. زنانی که از سنین کودکی در کارگاههای قالیبافی و ریسندگی در منازل و مزارع و در روستاهای دورافتاده و محروم کردستان بدون ابزار و وسایل ابتدائی زندگی بیرحمانه استثمار شده و تمام توان و انرژی آنها را تصاحب می کنند. زنان که از طلوع صبح تا شامگاه قامتشان زیر کار طاقت فرسا خرد شده و زنجیر آداب و رسوم کهن و ارتجاعی قرون وسطایی بردست و پای آنها محکم و محکمتر می گردد. همچون تمامی زنان زحمتکش سراسر ایران بناچار سختیهای بسیار را بردوش خویش تحمل کرده و در همان حال نیز تسلط روابط و مناسبات کهن اقتصادی - اجتماعی بویژه در روستاهای کردستان همانند بقیه نقاط ایران همواره با مشارکت مستقیم زنان در مبارزه علیه نظام پوسیده سرمایه داری ادغام گشته است. زنان مبارز کرد با شجاعت قهر مانانه خویش نقش برجسته ای در مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان کردستان ایفا نموده اند. آنها در طول مبارزه پر از حماسه خویش در برابر جوخه های اعدام، خطرات غرورانگیزی از خویش برجای گذاشتند که نشاندهنده مقاوت و شهامت و ایمان راسخ آنها را به آزادی و نقش آنها در جریان مبارزه طبقاتی است. رژیم

جمهوری اسلامی در طول حاکمیت سیاه و افسارگسیخته خویش در سرکوب خونین خلق کرد و دیگر مبارزین راه آزادی و برابری، زنان زحمتکش کردستان را بیش از پیش مورد تهاجم وحشیانه خویش قرار داده و همواره با مقاومت دلیرانه زنان و مردان زحمتکش کردستان روبه روگشته است. زنان کردستان در طول 35 سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و تهاجم جنایتکارانه آن به کردستان با مقاومت بی نظیر خویش در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم، و با مبارزه خویش برحق بودن جنبش خلق کرد و آرمان انقلابی آنرا به نمایش گذاشتند. اکنون پس از گذشت 35 سال از حکومت وحشیگری و بربر منشانه قرون وسطایی جمهوری اسلامی، سیاستهای ارتجاعی و ضد زن این حکومت بر تمامی زنان تحت ستم آشکار گشته است. اکنون که هنوز هم سازمانهای بورژوازی هرکدام به نوعی در صدد میباشند ابتدائی ترین حقوق زنان را نقض و پایمال نمایند، وظیفه تمامی کمونیستهاست که زنان کارگر و زحمتکش را به منافع طبقاتی خویش آگاه سازند و با متشکل نمودن آنها حرکات اعتراضی را سازماندهی نمایند و با جهت دادن به مبارزه آنها علیه نظام سرمایه داری بمنظور پیشبرد اهداف جنبش انقلابی مسیریگری از مبارزه طبقاتی برای به تحقق رساندن حقوق زنان بگشانید و از این طریق زنان زحمتکش را به میدان نبرد و مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی رهنمون گردند. صدها زن کمونیست و مبارز تحت وحشیانه ترین شکنجه های غیرانسانی در جریان مبارزه طبقاتی در جامعه و در صفوف مقدم مبارزه با ایمانی راسخ به آرمانهای طبقه کارگر به مبارزه خویش ادامه دادند تا جامعه ای را پایه ریزی نمایند که در آن ظلم، استثمار، فقر و بردگی در آن جایی نداشته باشد. هزاران زن انقلابی جان خویش را فدا نمودند و دهها هزار مبارز اسیر گشتند. اینها همه نشاندهنده اراده پولادین زنان جامعه انقلابی ما برای از میان برداشتن تمامی نمودهای حاکمیت طبقاتی است. بایستی به کارگزاران بورژوازی یادآور شد که رهایی جامعه بدون رهایی زنان معنا و مفهوم نخواهد یافت. آزادی زن فراتر و بسیار وسیعتر از کسب ازادیهای دمکراتیکی میباشد که در فرهنگ مارکسیستهای ویترنی برای آن تبلیغ میشود.

راه سرخ شماره ۱۲ منتشر شد (ارگان شورای مرکزی داخل کشور)

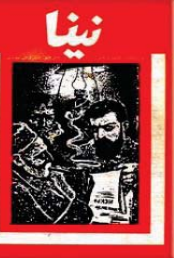
راه سرخ



برد تا کم یخ آب شد و با من بیرون از دانشگاه قدمی برداشت. با ترس و لرز از پلیس بیرون میرفتیم و توی پارکی نزدیکی های دانشگاه مینشستیم. هرروز توی پارک. شعر و بحث ادبی و کمی دوستت دارم های محجوبانه. و این اوخر روی صندلی به من تکیه میداد سرش را هم روی شانه ام میگذاشت و آرام دستهایش را میگرفتم... تمام چیزی که در این رابطه ی خجول عاطفی بین ما گذشت همین بود که مدام تکرار میشد. آنروزها خیلی آتشم تند بود، دوست داشتم تفنگی میداشتم و هموار میکردم گیتی را... اما تا حرف میزد میگفت: احسان بسه! ول کن بحث سیاسی موقوف. یکبار بهم گفت: تو توی رمانها زندگی میکنی! کمی بیا بیرون! پاییز بود باد می آمد. روی همان صندلی همیشگی در پارک داشتم با شور و اشتیاق از ضرورت مبارزه برایش حرف میزد. (تازه رمان چگونه فولاد آبدیده شد را خوانده بودم. پاولوشا بودم فقط یک معشوق انقلابی داستانم را تکمیل میکرد) برگشت و گفت: برای من اهمیتی ندارد احسان! سرنوشت این مردم برای من اهمیتی ندارد! بحث را عوض کن. تو همه ش بلدی در مورد سیاست حرف بزنی! این مردم و هرچی که به سرشان میاد برام مهم نیست! باهاش تند برخورد کردم! (آخرگفتم که آن روزها پاولوشا کورچاگین بودم) که اگر فقط میخوای جانم فدایت بشنوی من نیستم! فقط یک آدم نازپروده و بیدرد نسبت به اجتماع اطرافش بی تفاوت! (این را پاولوشا با تحکم گفت) اشک تو چشمهای حلقه زد (چشمهای درشت سیاهی داشت). لبهایش لرزید. گفت: نازپروده ی بیدرد؟... فهمیدم که تند برخورد کردم. دستش را گرفتم که آرامش کنم! دستش را کشید. بلند شد. کیفش را برداشت و چند قدم دور شد. من هم بلند شدم. ایستاد از پشت شانه هاش را میدیدم که میلرزید. صدایش زدم. برگشت بغضش ترکیب! اولین بار بود که صدایش را بلند میکرد، گفت: مردم! مردم! مردم!... کجا بودن؟.. این مردم... کجا بودن... پدر مرا... حق هق میزد!... چرا... حق هق... ساکت بودن! سال 67... حق هق میزد... 6 ماه مانده بود... نازپروده؟... بیدرد؟... شانه هایش میلرزید. ساکت ماندم. چیزی نداشتم بگویم. شانه هامان میلرزید پاییز بود باد می آمد. (احسان حقیقی (پاتوره)

مختصری در مورد کتاب نینا

کتاب نینا اثر بسیار ارزنده ای از ادبیات کمونیستی و کارگری است. این کتاب آینه ای از تجربه کمونیستها در سازماندهی طبقه کارگر و قدرتمند شدن سازمان و تشکل های



توده ای و کمونیستی آن در جریان مبارزات اش و سازماندهی انقلاب کارگری است.

نینا بخشی داستان فعالیت سازمانی کمونیست هایی مصمم و با سبک کار و

روشهای فعالیتی متناسب با کار و زندگی طبقه کارگر در جریان مبارزه سخت با پلیس و مزدوران سرمایه داری حاکم است. نینا و تجربه فعالیت کمیته باکو بلشویک ها در پایه ای ترین سطح یعنی رابطه فعالیت کمونیستی با طبقه کارگر هنوز راهنمایی بسیار ارزنده ای برای فعالیت همه کمونیستها است.

دنیا نسبت به سالهایی که نینا منعکس میکند تغییر کرده است. سرمایه داری از قبل کار طبقه کارگر میلیونها بار ثروتمند تر شده است اما امروز بخش اعظم کارگران جهان در اساس همان خواست هائی را دارند که ۱۶۰ سال قبل در باکو داشتند. خواست ۸ ساعت کار در روز. باور نکردنی است که هم اکنون تقریباً در همه کشورهای دنیا کارگران ناچارند بیش از ۸ ساعت کار کنند تا معیشت بخور و نمیری برای خود و خانواده شان را تامین کنند. این موقعیتی است که با سرکوب، اخراج و بیکاری، زندان و شکنجه و محرومیت از هر نوع زندگی با ثبات پاسخ سرمایه داران و دولت شان به کارگران مبارز، آگاه و کمونیست و خانواده هایشان است.

مارکسیسم و تجربه لنین و حزب بلشویک در باکو، مسکو و سن پترزبورگ برای سازماندهی انقلاب کارگری تنها پاسخ کمونیست های کارگری است. نه تنها قیام و انقلاب کارگری، بلکه سازماندهی یک تحسن و اعتصاب کارگران بدون سازمان و تشکیلات ممکن نیست، این را، فعالیت کمیته کمونیستی باکو قدم به قدم نشان میدهد و نشان میدهد که انقلاب کارگری بدون تئوری مارکسیسم و بدون تشکیلات و حزب لنینی ممکن نیست. کتاب نینا انعکاس این مبارزه است و شیوه و سبک کار کمونیستها در رسیدن به این اهداف را تعقیب میکند.

کتاب نینا داستان مبارزه و زندگی کارگران و فعالیت کمونیستی در باکو در فاصله سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۴ است. نویسنده کتاب نینا ثابت رحمان است و مترجم متن فارسی آن سیروس مددی است.



انتقاد و انتقاد از خود به شیوه کمونیستی (بخش ۱)

۱- چرا انتقاد می کنیم؟

از چه چیز و چگونه باید انتقاد کنیم؟ دیدگاه حاکم بر انتقاد چه باید باشد؟

تأثیرات نیم قرن اپورتونیزم و سازشکاری حزب توده و متعاقب آن تأثیرات مائونیسم که بلافاصله و با پشتوانه ی نیروی چند صد میلیونی خلق چین، جایگزین این تفکرات، بویژه در میان جوانان انقلابی کشور ما شد، در درون جنبش چپ ایران به رواج یک فرهنگ غیر مارکسیستی انجامید و در میان طبقه کارگر و جوانان مدافع کمونیسم، شیوه تفکر و متدلوژی خاصی را بنیان گذاشت، که ثمره ی آن چیزی نبود جز نوعی ولننگاری، بی اصولی و لیبرالیسم اشاعه این گرایشات هر چند از دو موضع کاملا متفاوت، یکی از موضع راست و دیگری از موضع چپ، جنبش کارگری ایران را زیر ضرب گرفتند، اما تأثیرات یکسانی آفریدند! هر دو به نوعی، مارکسیسم اکادمیک ولننگاری و عامیانه را دامن زدند. اولی بی بند و باری و لیبرالیسم را رواج می داد و دومی جزمی گرایی و تحجر اندیشه را، نتیجه یکی بود: دوری از اصول خلاق و پرنسیپ های انقلابی و کمونیستی و تقویت و رشد تفکرات و گرایشات محفلی خرده بورژوائی! سرنوشت محتوم هر دو نیز به همان لیبرالیسم و بی بند و باری سیاسی ختم می شد!

این تفکرات انحرافی تأثیرات بلاواسطه خود را در تمامی سطوح و علی الخصوص در متدولوژی و شیوه کار نیروهای مدافع کمونیسم، دقیقا بر جای می گذاشت. انتقاد و انتقاد از خود نیز بمثابة یکی از مهمترین وجوه ابزار پیش برنده و عنصر رشد و سازمانگری تشکیلات کمونیستی از این قاعده مستثنی نبوده و شدیداً تحت تأثیر این انحرافات قرار می گرفت.

اولی توجه گری، دیگر فریبی و انتقاد ناپذیری را دامن می زد. دومی شوالیه گری، قالب سازی، خود فریبی و انتقاد پذیری بی محتوا و بدون مضمون را! اولی که اساساً قصد تغییر و دگرگونی خود و

جامعه را نداشت، همواره و پیوسته از انتقاد نسبت به خود و گروه خود طفره می رفت و دومی فقط به شاهر و سطح می چسبید و با پذیرش انتقادات مکرر و متوالی اما عاری از مضمون بدون محتوا مدام مثل اسب عساری روی اشتباهات خود در جا می زد و گاه انقدر خود را اسیر ظاهر می ساخت که توان نجات از چارچوب تنگ ابداعی خود را که برای ظاهرسازی علیه خود آفریده بود مطلقاً از دست می داد. چنین تفکری همیشه و همواره از هرگونه برخورد خلاقانه با مسائل باز می ماند، به پاسیفیسم و انفعال می گرائید و توان تغییر خود و جامعه کاملاً از او ساقط می گردید. چپ به راست می فلتید و به سرنوشت آن دچار می شد. هر چند در جنبش کمونیستی ایران این دو گرایش رو به مرگ و نابودی نهاده است و در میان کارگران کمونیست دیگر کشش و گیرائی ندارد، با این وجود اینجا و آنجا بسیاری از عناصر و بقایای این انحرافات به چشم می خورد و با سخت جانی و سماجت بی حدو حصری به حیات خود ادامه می دهد.

امروز که طبقه کارگر ایران می رود که تا حزب سیاسی خود را بسازد، امروز که پرولتاریای آگاه ایران می رود تا با درک عمیق از آموزشهای خلاق مارکسیسم - لنینیسم، بورژوازی را از قدرت به زیر کشد و بنیادهای حکومت خود را استوار کند، جا دارد تا هر آنچه که مهر کهنگی خورده است بدور افکنده شود و شیوه ها و روشهای کمونیستی جایگزین هرگونه انحرافات گذشته گردد. کمونیستها باید راه و روش نوین برخورد را در تمامی زمینه ها از همه و هر گونه بقایای گرایشات انحرافی کهن برهانند.

۲- روش نقد کمونیستی

هر بار که سخن از انتقاد و انتقاد از خود به میان می آید، بلافاصله این ایده در ذهن بسیاری از رفقای ما شکل می گیرد که بله در یک تشکیلات کمونیستی، از ضعف ها و خطاها نباید هراس داشت. ضعفها و اشتباهات فردی تشکیلاتی را باید بی رحمانه به باد انتقاد گرفت، صادقانه از خود انتقاد کرد ضعفهای خود را شناخت و در جهت تصیح آن حرکت کرد. این امر فی نفسه کار صحیحی نیست. فقط به این شرط که بمثابة یک بدیل واکنشی و یک انعکاس صرف در برابر گرایشات توجیه گرانه و انتقاد ناپذیری به ارث رسیده از حزب توده، پیشاروی ما قرار نگرفته باشد. فقط به این شرط که به ظاهر سازی و شکل گرایی نینجامد چون در این صورت حتماً و قطعاً به یک امر خود بخودی و عیناً بهمان چیزی تبدیل خواهد شد که ابتدا از آن گریزان بوده است. و دقیقاً به همین علت است که بارها به رفقای بر می خوریم که ضعفهای خود را می شناسند، مدام از خود انتقاد می کنند، صادقانه هم انتقاد می کنند، اما همیشه همان شعفا و خطاهائی که خود بهتر از هر کس دیگر بر آن آگاهند، در زمینه ها فعالیت و حرکاتشان تکرار می شود و باز هم تکرار می شود. این نمونه ای از یک بدیل واکنشی در برابر گرایشات انتقاد ناپذیر بود، و گویای این حقیقت است که هم این دسته از انتقاد کنندگان و هم آن رفقای که بر اینگونه انتقادات صحه می گذارند و آن را می پذیرند، و در صورت تکرار باز هم می پذیرند هیچ کدام درک درستی از مضمون واقعی انتقاد کمونیستی ندارند و علیرغم همه صداقت و صراحتی که در کار خود بکار می گیرند، هنوز قادر نیستند مرز بین

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با اتکا به خط مشی روشن و مشخص که حاصل جمع بندی نقاط ضعف و قدرت جنبش کمونیستی و تحلیل ارزیابی از شرایط ایران و جهان تدوین و تصویب شده اند در راه تحقق آرمان انسانی آزادی و سوسیالیسم مبارزه میکند و در تلاش است تا بتدریج با شیوه ای اصولی و انقلابی بخش های ضربه خورده سازمان را نوسازی کرده و در این راه از همه رفقای فدائی و کمونیست دعوت کرده تا به سازمان به پیوندند و آنرا در راه رسیدن به آرمانهای انسانی خود یاری رسانند. سازمان فدائیان کمونیست با پیگیری روش های درست و اصولی و انقلابی کماکان در راه نوسازی سازمان. وحدت جنبش کمونیستی ایران. اتحاد سوسیالیستها و تمامی آزادی خواهان واقعی که برای آزادی از یوغ ستم و استثمار و زور و سرکوب مبارزه میکنند به تلاش خود ادامه خواهد داد.

خلق قهرمان ، کارگران و زحمتکشان و رفقای مبارز با مشارکت و ارسال گزارشات ، نظریات و انتقادات خود ما را در غنی تر ساختن هر چه بیشتر نشریه یاری نمائید برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید :

روابط عمومی
webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان
Kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران
Tehran@fedayi.org

کمیته کرج
karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان
azer@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی
panahjo@fedayi.org

ریگای گه ل در فیس بوک
Www.facebook.com/regaygal

فدائیان کمونیست در فیس بوک
www.facebook.com/فدائیان کمونیست

صداقت کمونیستی و صراحت خرده بورژوازی را از یکدیگر تفکیک کنند .
هسته های کمونیستی با اجتناب از این روش در هر امر انتقادی ، قبل از هر چیز باید به خود مسئله انتقاد ، با دید انتقاد کمونیستی بنگرند . باید مضمون کمونیستی انتقاد و انتقاد از خود را بشناسند ، باید بدانند که از چه چیزی و برای چه انتقاد می کنند و توجه داشته باشند که دیدگاه حاکم بر انتقاد وسیله ای است برای تغییر واقعیت . انتقاد ابزاری است برای تغییر روش ، برای تکامل تفکر و شعور ، انتقاد وسیله ای است برای نفی موجودیت کهنه و تکامل به وضعیت جدید .
رفیقی که بارها به اشتباهات خود انتقاد می کند ، ولی مدام به تکرار همان اشتباه می پردازد ، در حقیقت ارتباط ذهنیت و واقعیت را نمی شناسد . فردی است که ذهنیت و شعور خود را به بازی گرفته است ، بدون آن که عناصر تحول بخش واقعیت را بیابد و عوامل تغییر دهنده را باز شناخته باشد !

وقتی می گوئیم انتقاد باید به منظور بر طرف کردن اشتباهات و خطاها و دست یابی به راه حل های جدید صورت گیرد ، هنگامی که می گوئیم انتقاد باید برای تغییر و نفی وضعیت موجود و جایگزینی وضعیت جدید انجام گیرد ، وقتی می گوئیم انتقاد هدف خود را به کارگیری تجارب ، ارتقاء آگاهی ، تکامل شعور و بالا بردن توانمندی و تقویت اراده ، برای تغییر و تبدیل و تحول به وضعیت جدید قرار می دهد ، پس قبل از همه لازم است بگوئیم ، انتقاد باید از هرگونه برخورد شخصی مبرا باشد . البته ظاهر این اصل پذیرفته شده ای است از و از قضا همان دسته از رفقای که انتقاد از خود مکرر را به یک امر یکنواخت و خستگی آور در خود تبدیل کرده اند ، شاید بیشتر از دیگران خود را به این اصل پایبند می دانند . ولی صرف این پذیرش کافی نیست . پیش شرط اینکه بدانیم چرا یک امر انتقادی را نباید به یک وسیله برای تصفیه حساب شخصی و گروهی تبدیل کرد لازم است بدانیم اصولا چرا روشهای انحرافی انتقاد به امر شخصی تبدیل می شود ؟!

همانگونه که می دانید هدف کمونیستها تغییر جامعه طبقاتی از اشکال کهنه به شکل نوین و غیر طبقاتی است . اهداف کمونیستها تغییر مناسبات اجتماعی است و نه تغییر خصلت و شخصیت اشخاص ، چرا که خصلت و خصوصیات فردی خود در نتیجه تغییر مناسبات اجتماعی جبرا دگرگون خواهد شد .



گرامی باد یاد و خاطره هزاران بخون خفته گمنام راه آزادی و برابر در دی ماه !

اسامی تعدادی از فدائیان بخون خفته در دی ماه :

سپروس قیصری ، حسن محمودیان ، مجید سیدی ، فرهاد دادور ، خاطره جلالی ، فتح الله کریمی ، حسن محمودیان ، فقیر محمد زین الدینی ، یوسف زرکاری ، فاطمه حسین پور اصل ، بهمن روحی آهنگرانی ، حسن نوروزی ، سید قریان حسینی ، فاطمه نهانی ، بهمن آبگرمیان ، شاهرخ مینافی ، مسرور فرهنگ ، مرتضی حاج شفیعینی ها ، ناصر توفیقیان

به فروردین		به فروردین		به فروردین	
۱۸	۱۱	۴	۲۸	۲۲	۲۸
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۲	شنبه
۱۹	۱۲	۵	۲۹	۱	یکشنبه
۲۰	۱۳	۶	۳۰	۲	دوشنبه
۲۴	۱۴	۷	۳۱	۳	سه شنبه
۲۵	۱۵	۸	۱	۴	چهارشنبه
۱۶	۹	۹	۲	۵	پنجشنبه
۱۷	۱۰	۱۰	۳	۶	جمعه

۱ دی ۱۳۶۷ کشف تعدادی دیگر از گورهای دسته جمعی زندانیان سیاسی قتل عام شده در زندانهای جمهوری اسلامی * ۵ دی ۱۳۵۷ اعتصاب کامل کارگران صنعت نفت ایران * ۵ دی ۱۳۸۲ زلزله بم و کشته شدن تعدادی زیادی از هموطنان * ۹ دی ۱۳۰۰ انتشار اولین شماره روزنامه حقیقت ارگان حزب کمونیست ایران * ۱۱ دی (۱ ژانویه . آغاز سال ۲۰۱۶ میلادی) * ۱ ژانویه ۱۹۵۹ سالگرد انقلاب کوبا * ۱ ژانویه ۱۹۶۳ اعلام لغو بردگی در آمریکا توسط ابراهم لینکن * ۱۶ دی ۱۳۲۶ . تظاهرات دانشجویان در محل کوی دانشگاه تهران * ۱۶ دی ۲۱۷ قتل بابک خرم دین به دستور محتمص خلیفه عباسی * ۱۶ دی ۱۳۲۸ درگذشت پدر شعر نو نیما یوشیج * ۱۷ دی ۱۳۶۶ . خاموشی جهان به عنوان تختی بدست ساواک * ۲۰ دی ۱۳۵۲ شهادت فدائی خلق حسن نوروزی * ۲۴ دی ۱۴ ژانویه ۱۹۸۲ . ترور رفیق فدایی شاهرخ مینافی به دست آدم کتان رژیم اسلامی در مانیل فیلیپین * ۲۵ دی ۱۵ ژانویه تیرباران کردن روزانگوزامبورگ و مارل لیبکنشت . از رهبران حزب کمونیست آلمان توسط دولت آلمان * ۲۶ دی ۱۳۵۷ فرار شاه از ایران * ۲۷ دی (۱۷ ژانویه ۱۹۶۱ سوزاندن پاتریسی لومومبا قهرمان استقلال کنگو در اسید توسط موبوتو سه سه کو * ۲۰ دی ۱۳۵۷ . آزادی آخرین دسته از زندانیان سیاسی زمان شاه